

## دریچه

در ژانر تخیلی و ترسناک ژاپنی‌ها «مکعب» را دوباره ساختند



**همدلی** فیلم علمی تخیلی ترسناک «مکعب» توسط ژاپنی‌ها دوباره ساخته شد. به نقل از هالیوود ریپورتر، برداشت جدید از «مکعب» ساخته یاسوهیکو شیمیزو به زودی دیده می‌شود.

برداشت این کارگردان ژاپنی از فیلم اصلی کانادایی به کارگردانی وینچنزو ناتالی صورت گرفته که در سال ۱۹۹۷ اکران شد. این فیلم قرار است از ۱۱ آوریل در شبکه استریم ترسناک «کرایم‌باکس» در دسترس باشد. «مکعب» وینچنزو ناتالی یک کلاسیک کالت مدرن با طراحی منحصر به فرد بود که از نظر داستانی بسیار پیشگام این سبک شناخته می‌شود و مسیر جدیدی در این راه خلق کرد. از بازیگران آن می‌توان به نیکول د بوئر، دیوید هیولت و جولیان ریچینگز اشاره کرد. داستان این فیلم درباره افرادی است که در یک مکعب از خواب بیدار می‌شوند و سعی می‌کنند فرار کنند اما بین آن‌ها اختلاف‌هایی ایجادمی‌شود و فیلم پایانی غیرمنتظره دارد. تهیه‌کننده ژاپنی گفته نسخه جدید به نسخه اصلی احترام می‌گذارد. داستان این فیلم درباره گروهی است که خود را در پیچ و خم‌های سادیستی گرفتار می‌بینند و نمی‌توانند به خاطر بیایوند چگونه به آنجا راه یافته‌اند. آنها در حالی که مواد مخدر دریافت کرده بودند، گیج و سردرگم از خوابی که نمی‌دانند از کجا شروع شده بیدار شده‌اند و خود را در اتاقی مرموز می‌یابند که روی دیوار آن رمزی ناشناخته نوشته شده است و در حالی که سعی می‌کنند راهی برای فرار بیابند با تله‌های مرمبازی رویه‌رو می‌شوند.

در فیلم اصلی «مکعب» ۷ غریبه در مکعب گیر افتاده بودند و موضوع اصلی درنهایت درباره هوش مصنوعی، انسانیت و تولید یک نژاد جدید دیجیتال بود.برای این فیلم ۲ دنباله هم به نام‌های «مکعب ۲: ابرمکعب» در سال ۲۰۰۴ و «مکعب صفر» در سال ۲۰۰۴ ساخته شد.در بازسازی ژاپنی ماساکی سودا، آن واتانابه، ماساکی اوکادا، تاکومی سایتو و کوتارو یوشیدا ایفای نقش کرده‌اند. کوچی توکو فیلمنامه اقتباسی این فیلم ترسناک ژاپنی را نوشته و فیلم در باکس آفیس بین‌المللی حدود ۲.۵ میلیون دلار فروخته است.

## خاموشی یک مدرس، بازیگر و مترجم تئاتر احمد دامود درگذشت

**همدلی** پیکر احمد دامود؛ مدرس، بازیگر و مترجم تئاتر که ابداع پنجشنبه گذشته از دنیا رفت، پس از بازگشت فرزندش به کشور، به خاک سپرده خواهد شد.احمد دامود؛ نویسنده، پژوهشگر، مدرس، مترجم و بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ابداع پنجشنبه (۲۵ اسفندماه) در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت.بنفشه اعرابی یکی از دوستان این هنرمند درباره درگذشت او گفت: آقای دامود مدتی دچار بیماری آلزایمر شده بود و ازآنجاکه پیش‌ازاین به دلیل ناراحتی قلبی تحت عمل جراحی قرار گرفته بود، باید دیگر دچار ناراحتی قلبی و در بیمارستان بستری شد تااینکه صبح امروز از بیمارستان اطلاع دادند که متأسفانه ایشان از دنیا رفته است.به گفته او، مراسم خاک‌سپاری این هنرمند بعد از بازگشت فرزندش از خارج از کشور برگزار می‌شود و جزئیات آن بزودی مشخص خواهد شد.احمد دامود که فعالیت‌هایی همچون کارگردانی، بازیگری، پژوهشگری، ترجمی و تدریس در دانشگاه داشته، متولد ۱۳۱۸ در شهر تهران بود.این هنرمند اولین دوره آموزشی هنرهای دراماتیک به سرپرستی مهدی فروغ را گذراند، دانش‌آموخته کارشناسی روانشناسی از دانشگاه تبریز، دارای مدرک کارشناسی ارشد ارتباطات جمعی سینما و تلویزیون از دانشگاه کلمبیا آمریکا و کارشناسی ارشد آموزش تئاتر از دانشگاه لوبولا آمریکا، شرکت در دوره‌های آموزشی کلاس‌های اسکویی (۱۳۴۱ تا ۱۳۳۷)، سرپرستی و اداره کلاس‌های گروه آناهیتا، عضو انجمن درام واشنگتن (۱۹۸۳)، فعالیت در موسسه تئاتری آرنا‌استیج (Arena Stage)، مهم‌ترین موسسه تئاتری شرق آمریکا بعد از برادوی، عضو هیئت‌داوران اولین دوره فستیوال بین‌المللی فیلم زرباد واشنگتن (۱۹۹۱)، مدرس کالج (atrayen) در واشنگتن را که کارنامه هنری خود داردا و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فاریلی قبل از انقلاب و معاون دانشگاه فاریلی بعد از انقلاب، عضو سابق هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، انتخاب‌شده به‌عنوان بهترین پژوهشگر و مؤلف از سوی کانون ملی منتقدان تئاتر ایران (۱۳۸۳)، استاد برگزیده از سموی گروه‌های تئاتر دانشگاه‌های تهران در روز جهانی تئاتر (۱۳۸۵)، نویسنده کتاب‌های «بازیگری و پروفومنس آر.ت»، «اصول کارگردانی تئاتر»، «بازیگری و مترجم کتاب‌های «تکنیک بازیگری»، «بازیگر حرفه‌ای»، «کار عملی بازیگر»، «درباره کارگردانی فیلم» بوده است.دامود تجربه کارگردانی نمایش‌های محتمای در واشگتن به نام‌های «در ساحل»، «چهارمی»، «تکلر»، «کالف سردرگم»، «گمشدگان»، «دوم‌ها چیز»، «چهار صندوق»، «گیدوکلونا»، «باغ وحش شیشه‌ای» را داشته و همچنین بازیگر نمایش‌های «هیاهو بسیار برای هیچ»، «ترامولی به نام هوس»، «خانه غروبسک»، «روبه‌های کوچک»، «طلیقه ششم»، «کالسکه زین و اینس مندو» و بازیگر مجموعه‌های تلویزیونی «معمای یک قتل»، «و با این بمان»، بازیگر فیلم‌های سینمایی «باد و شقایق»، «تنگنا»، «سینما سینما است» و «لزبون»، کارگردان فیلم‌های مستند «تولدِ دیگر» و «به صلیب کشیدن» و بازیگر نمایش تلویزیونی «استطاق» بوده است.

## فرهنگ و هنر

**یادداشتی بر رمان «مرگ مرموز همسایه» نوشته ناهید شمس**

# سپیده، شب هول را می‌بلعد



امیرحسین تیکنی

پاستور می‌گوید: شناسن چیزی جز برآیند تصمیم‌های خودآگاه و ناخودآگاه ما نیست. با این تصور که تصمیم‌های ناخودآگاه ما نیز خود ریشه در تصمیم‌های خودآگاه ما دارند، حضور ما در هر موقعیت مکانسی حاصل قدم‌هایی است که ذهنیت پیشین ما آن را به وجود آورده است. «مرگ مرموز همسایه» رماتی استن موقعیت محور که با خلق موقعیت‌های مکانی، شخصیت‌های خود را می‌سازد و وارد جریان داستانی می‌کند. نقطه عطف این اثر را می‌توان در دو مسئله دید. نخست شکل توصیف مکان‌ها، این‌که خلق ایسن موقعیت‌ها تا چه حد به واقعیت نزدیک است بر خواننده پوشیده است اما در قسمت‌های مختلفی از کتاب توصیفات مکانی موقی می‌شود فضایی را برای بیننده خلق کند که پیرنگ اصلی داستان در آن اتفاق می‌افتد. مثل منزل آپارتمانی و مشکلی که در ساخت آن وجود داشته است، یا محله روشنفکرها و فضای حاکم بر آن و یا قسمت‌هایی که در خاطرات به آن اشاره می‌شود مثل بخش عاشقانه پایانی کتاب.درخت عرعر، پشت‌بام و حیاط خانه شهریانو. بخش محله روشنفکرها احتمالاً برای بسیاری از افرادی که با نویسنده آشنایی دارند چندان جدید نیست چراکه شرح دقیق‌تر و قابل‌لمس‌تری از این محله را پیش‌تر در فیلم مستندی به همین نام ساخته ایشان دیده‌اند اما آنچه در کتاب روایت می‌شود در راستای هدفی دیگر است. همان‌طور که گفته شد «مرگ مرموز همسایه» با خلق موفق چندین موقعیت مکانی، بستری را آماده می‌کند که داستان در آن خلق می‌شود اما این داستان سازمان‌دهی شده نیست بلکه بیشتر به شکل خرده روایت‌هایی است که به‌صورت متوالی و یکپارچه روایت می‌شوند، شبیه آنکه کسی خاطرات خود را با گنسست زمانی اما پشت سرهم برای کس دیگری تعریف کند، با این پیش‌فرض که شنونده کاملاً با مکان‌هایی که از آن صحبت می‌شود آشناست و این نکته مهمی است که نویسنده در اثر خود به آن دست یافته است. یک شاکله منحصرمفرد که ترکیب موقفی از تجربه‌گرایی و روزانه نویسی است.

زبان نثر داستان چند ویژگی بارز دارد. نخست این‌که زبانی

توصیف‌گراست. این ویژگی در راستای توصیف مکانی شکل می‌گیرد و حتی در گفتگوها نیز این خصیصه را حفظ می‌کند. دو ویژگی دیگر این زبان که از نکات قوت کتاب به‌حساب می‌آیند، طنزن کلامی نهفته در متن و گفتگوها و همچنین لحن شاعرانه‌ای است که گاه در بخش‌هایی از کتاب نه‌تنها بار معنایی خوبی به داستان می‌دهد بلکه به ایجاز مفهومی خوبی نیز منجر می‌شود. در زندگی روزانه همواره استفاده از عبارات آمیخته به طنز، کنایه‌ها و رمان زندانی شوخ‌طبعانه جایگاهی مهم و کاربردی دارند، و مر «مرگ مرموز همسایه» به‌خوبی با استفاده از این مقوله با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند، به‌طور مثال شخصیت سحر کاملا از این طریق است که به بیننده معرفی می‌شود و اتفاقاً به علت قابل‌درک بودن شکل شخصیت‌پردازی او در این مسئله موفق است. رفتارهای روزانه نیز به شکلی با نوعی شوخ‌طبعی صمیمانه همراه هستند که هر چه رمان به انتهای خود نزدیک می‌شود بنا بر ضرورت داستانی، تلخ‌تر نیز می‌شوند. دیگر ویژگی زبانی رمان «مرگ مرموز همسایه» شاعرانه‌ای بودن آن بخصوص در بخش‌های پایانی است. آنچه شخصیت‌ها به زبان می‌آورند برخلاف بخش‌های ابتدایی و میانی کتاب که صمیمی و به زبان امروزی بسیار نزدیک هستند، هر چه به انتهای کتاب می‌رویم، استعاری‌تر می‌شود تا جایی که کتاب با این جمله به پایان می‌رسد: من مردام، سال‌هاست مسردهام و روی این درخت عرعر هنوز منتظم…

«مرگ مرموز همسایه» داستان تنیدگی روابط شخصیت‌ها در یکدیگر است، انسان‌ها با شکل رفتاری‌شان در برابر یکدیگر تعریف می‌شوند. به عبارتی ایسن جمله معروف را یادآور می‌شوند که شخصیت من را از روی رفتار من با خودت قضاوت نکن، آنچه می‌بینی بازتاب رفتار تو در شخصیت من است. هر یک از کارکترهای رمان «مرگ مرموز همسایه» با دیگری رابطه مخصوص خودش را دارد و نویسنده کوشیده است با به تصویر کشیده یک شخصیت از طریق دیگران، او را به خواننده معرفی کند. به همین دلیل است که به‌جز عمو اسد، که به علت ذهنیت متفاوتش همگی نوعی غریبگی با او دارند، بقیه شخصیت‌ها با بازتاب رفتارهایشان در رفتار دیگران شکل می‌گیرند. این ویژگی درعین‌حال که خلق چنین اثری را دشوار و پیچیده می‌کند رمان را با وجود تمام تنش‌های شخصیت‌هایش در جای‌جای داستان، از محتوای درون‌گرای خارج و آن

❖ ❖ ❖

**علیرضا زرین‌دست: فیلم‌بر دار شناخته‌شده سینمای ایران:**

## کیارستمی، مشکل ممنوع از کاری‌ام را حل کرد



می‌دهند و ما مدیون آن‌ها هستیم. من یک دوربین فلکس خیلی قدیمی دارم که مربوط به ۱۷ سالگی من است که با شوق‌ذوق فراوانی آن را تهیه کرده بودم. قطعاً باید در یک جای مناسبی به‌عنوان بخشی از تاریخ سینما از آن نگهداری شود و جایی بهتر از موزه سینما برای آن مناسب‌تر است. آن زمان اتفاق افتاد. مدیرفیلم‌برداری پیشکسوت‌سینما بایدین بخش بین‌الملل این مجموعه فرهنگی– تاریخی، بیان داشت: دو جایزه بین‌المللی دارم که یکی از آن‌ها کاپ نقره است که از زیمبابوه برای فیلم «خانه خلوت» گرفتم و دیگری دیپلم افتخار است که از جشنواره داکا برای فیلم «سوپراسنار» دریافت کردم. زرین‌دست با دیدن گنجینه زنده‌یاد «عباس کیارستمی» نیز خاطر نشان کرد: در دوره‌ای ممنوع‌الکاری ۶ ماه داشتم. یادم می‌آید کیارستمی به من زنگ زد و گفت: یک فیلم‌بردار خلاق می‌خواهم و من سه نفر را به او معرفی



را بیشتر به رماتی برون‌گرا بدل می‌کند، حتی شخصیت شهریانو نیز از این رویه پیروی می‌کند و تنها عمو اسد است که گویی به علت کاراکتر منحصربه‌فردش از این قاعده مستثنا بوده است.

شکل روایی داستان که به نظر می‌رسد روزانه نویسی است، به اثر چند ویژگی داده است. نخست این‌که خواننده در توالی داستانی کمی سردرگم می‌شود چراکه همان‌طور که گفته شد داستان از شکل سازمان‌یافته خود خارج می‌شود. درعین‌حال چنین شکلی از اوایت، به سبب بازتابی که خلق‌و‌خوی روزانه نویسنده در روح کتاب دمیده است، به اثر این امکان را می‌دهد که به‌صورت مقطعی در بخش‌های مختلف خود به تعامل و تفهیم دوستانه‌تری نسبت به روال معمول با مخاطب دست یابد. ایسن دو ویژگی به‌صورت مشخص در رمان «مرگ مرموز همسایه» دیده می‌شود. «مرگ مرموز همسایه» سرنوشت انسانی است که روح خود را هنوز متعلق به صمیمیتی می‌داند که به نظر می‌رسد از دست رفته است و جسم خود را ناگهان در موقعیتی یافته است که نمی‌تواند آن را پناهگاه خود ببیند. به همین دلیل است که اثر پیوسته به‌نقد حال و تأمل گذشته می‌پردازد و هرگاه از امروز صحبت می‌کند زمان سریع می‌گذرد گویی نویسنده همچون انسان امروزی ارزش چندانی برای ثانیه‌ها قائل نیست و هرگاه داستان درگذشته روایت می‌شود، محتوای زمان عمودی می‌شود، عمق می‌یابد و به خاطرهای مشترک میان نویسنده و خواننده بدل می‌شود. «مرگ مرموز همسایه» نوشته ناهید شمس از نویسندگان و منتقدان خوب داستان پارسی و در صدوبیست صفحه توسط نشر افراز منتشر شده است.

## مرگ مرموز همسایه: ناهید شمس

کردم اما انتخابشان نکرد و از خود من خواست تا همکاری کنم. به او گفتم مدتی است ممنوع‌الکار هستم و او در صحبت با آقای بهشتی از مدیران وقت آن زمان مشکل ممنوع‌الکاری من را حل کرد و درواقع رفاقت بزرگی در حق من کرد که درنهایت برای فیلم‌برداری «کلوزآپ» با او همکاری کردم که خوشبختانه اتفاق‌های خوبی برای فیلم افتاد و امروز در بسیاری از کلاس‌های آموزشی ایسن فیلم نمایش داده می‌شود.

او با بیان اینکه لطف زنده‌یاد کیارستمی را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم، گفت: در همان ۶ ماهی که بیکار در خانه نشسته بودم حتی یک نفر هم به من زنگ نزد تا بپرسد روز کاری من چگونه می‌گذرد و این موضوع بسیار من را آزرده کرده بود و تنهای کسی که به سراغم آمد کیارستمی بزرگ و بامعرفت بود. زرین‌دست افزود: آشنایی من با کیارستمی به کنون پرورش فکر کودکان و نوجوانان زمانی که تیتراژ فیلم رشد را می‌ساخت برمی‌گردد . برای همکاری با او به دیدنش در پاسگاه پلیس ژاندارمری جاجورد رفتم زیرا او دو هفته در آنجا کشیک بود و نمی‌توانست بیرون بیاید که درنهایت باهم همکاری کردیم.

❖ ❖ ❖

**رونمایی از کتاب «کرونامه» با حضور چهره‌های علمی، فرهنگی و هنری برگزار شد**

## دغدغه‌های شخصی آقای نقاش



قلی پور، هنرمندان صنایع‌دستی مانند عبدالله مشفق، اقتصاددانان مانند فرهاد فرشادی و مصیب دوانی، حقوقدانان مانند دکتر چراغی، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی یونسکو و یوینسلف مانند دکتر مؤمنی مقیم ارمئستان، شاعران و ترانه‌سرایان مانند محمود رفیعی (یادها)، کشنگران اجتماعی و فرهنگی مانند عبدالعلی حسینیون، حسینیعلی ذوالفقاری، مصیب دوانی علی نوری زاده و شهروز احمدی، مولای و … نویسندگان،ادیبان و روزنامه‌نگاران مانند ثریا سجده‌ای، ابراهیم شاکری شیرینی و روزبه یقینی، مسئولان کانون‌ها و انجمن‌های ادبی و فرهنگی مانند نصرالله محبی رئیس هیئت مدیره انجمن امیرکبیر (راکی‌های مقیم مرکز) و دکتر بهنام دارابی (مدیر موسسه مدارا و گفتگو)، اهالی هنر و نمایشی، کارگردانان و مستندسازان مانند مهدی شمسایی،

## رویداد

به تهیه‌کنندگی رضا مهدوی تازه‌ترین آلبوم میلاد کیایی منتشر شد



**همدلی** | آلبوم «به یاد گل‌ها» با آهنگسازی و تنظیم میلاد کیایی و خوانندگی سروش مظفری یکی از تازه‌ترین آثار منتشرشده در بازار موسیقی است که در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ در اختیار مخاطبان قرار گرفت. «به یاد گل‌ها» عنوان یکی از تازه‌ترین آلبوم‌های منتشرشده در روزهای باقیمانده از سال ۱۴۰۱ است که به آهنگسازی و تنظیم میلاد کیایی، دکلمه فاطمه آل عباس و خوانندگی سروش مظفری توسط نشر «راوی» پیش روی شنوندگان قرار گرفته است.

رضا مهدوی تهیه‌کننده این آلبوم درباره این اثر نوشته است: «مجموعه «به یاد گل‌ها» سعی و کوشش جناب استاد میلاد کیایی از چهره‌های سرشناس عرصه موسیقی در مسیر زندگانی است که بخشی از حاصل عمر شریف خود را با نهایت توجه به نغمگی و گوش آشنایی مردمانی که با گوش هوش جان می‌شنوند، طراوتی تازه در فرهنگ شنیداری موسیقی ایران مهیا می‌سازد.

این هنرمند بخشی از تاریخ موسیقی معاصر و سرشار از هوش و خاطره و دقت نظر اجتماعی – هنری هستند که با درک و دریافت منحصر و خورخورد از روابط عمومی قوی این مهم نیز باعث شده در تکنواری مستور و در اجراهای گروهی و آهنگسازی، آثارشان مورد اقبال عمومی قرار گیرد.

خوشبختانه خواننده جوان جناب آقای سروش مظفری، در ایسن مجموعه با صدای گرم‌ورم

به‌خوبی از عهده برآمده و نشان از آن دارد که اعتماد در اختیار گذارده آهنگساز به خود را صحه گذاشته و مهر تأیید هم گرفته است.

موسیقی ایرانی سرشار از رنگارنگی و شنیدنی‌های جذاب است که از طُرف موسیقیدانان با گرایش‌ها و گونه‌های مختلف به گوش‌ها روانه می‌شود و این بار نیز هنرمندان ارزنده میلاد کیایی با رمز آشنایی به فرهنگ شنیداری سبک زندگی خانوادۀ ایرانی بر هرچه بهتر شنیدن آثار موسیقایی‌اش از اوان جوانی تاکنون گوش نوازانه تلاش کرده است. استاد اشعاری هم با صدای گرم و شیوا و گفتار دل‌نشین و آهنگین خوانده‌اند و به یادگار گذاشته‌اند همچنان که در مجموعه «میلاد فرهنگ» این ذوق ورزی را بنا نهادند.

این‌جانب سیاست بیکران دارم از بنده‌نوازی، توجه و محبت استاد میلاد کیایی که همیشه مرون الطافشان بدهام و این بار نیز با آلبوم «به یاد گل‌ها» این بنده را به مهر نواخته و لایق بزرگواری خود دانسته‌اند.»

## از ۲۵ اسفند «آوای جادویی» باصفهانی، معتمدی، صادقی و یردانی از راه رسید

**همدلی** | اولین فصل مسابقات استعدادیابی «آوای جادویی» از روز پنجشنبه بیست و پنجم اسفندماه در قالب یک برنامه هفتگی پیش روی مخاطبان قرار گرفت. از این به بعد بناسث مسابقه استعدادیابی «آوای جادویی» ۱۴۰۱ به‌صورت هفتگی پیش روی علاقه‌مندان قرار بگیرد. «آوای جادویی» مسابقه استعدادیابی خوانندگی به تهیه‌کنندگی محمد طهرانی است که در آن محمد اصفهانی، رضا صادقی، رضا یردانی و حماد معتمدی به‌عنوان میزبانان و علیرضا افکاری به‌عنوان مدیر هنری مسابقه حضور دارند. علی‌اوجی هم اجرای این مسابقه را بر عهده دارد. در نخستین قسمت از مسابقه «آوای جادویی»، علاوه بر معرفی داوران و جزئیات مسابقه، اولین گروه از شرکت‌کنندگان هرکدام یک قطعه اجرا می‌کنند و نفرات منتخب وارد تیم داوران می‌شوند.

این مسابقه ابتدا قرار بود اسفند سال گذشته بخش خود را آغاز کند اما درنهایت از آخرین پنجشنبه سال ۱۴۰۱ عرضه شد.

پیش‌تولید این مسابقه سال ۹۹ آغاز و فراخوان ارسال ویدیوها توسط علاقه‌مندان به شرکت در خردادماه سال ۱۴۰۰ منتشر شد. پس از اعلام فراخوان، چندین هزار ویدیو به دبیرخانه «آوای جادویی» ارسال شد که این آثار در گروهی به سرپرستی علیرضا افکاری مورد‌بررسی قرار گرفته و افراد منتخب برای مرحله اولیه مسابقه با عنوان مسابقه‌ی محبوبی هنرمند\_آقای توسلی مدیر موزه جلال آل احمد و سیمین دانشور\_آقای مصیب دوانی کشنگر اجتماعی و فرهنگی\_ خانم آراسته ناشر کتاب و استاد سعید رضاخان هنرمند نقاشی پشت‌شیشه و نویسنده کتاب.در این مراسم کتاب رونمایی شده و کارت تبریک دست‌ساز استاد سعید رضاخان بین حضاران تقدیم شد و لوح تقدیر هنری دست‌ساز خوشنویسی شده ارزشمندی نیز از سوی موسسه مدارا و گفتگو به پروفسور امین و خوشنویسی‌های زیبای آقایان محمود خوشنویس و کلمه قلی پور به پروفسور امین و آقای حسینیون اهدا شد. جلسه با گرفتن عکس‌های یادگاری در ساعت ۱۴ روز ۲۵ اسفند با پیش‌کتاب‌های اهدایی پروفسور امین به مناسبت پیشواز جشن نوروز به همه مهمانان به پایان رسید.

❖ ❖ ❖

❖ ❖ ❖